

تغییرات تحولی در نثر فارسی

در نیم قرن اخیر

تحول و تطور اصل مسم هستی و زندگی است و هیچ چیز جز «ناپایداری» پایدار نمانده و نخواهد ماند. تمام موجودات - اجتماعات - اعتقادات - اخلاق - آداب بالاخره (زبان و ادبیات) هر قوم و ملتی در طی زمان تحول می پذیرد اصطلاحات و تعبیرات کهنه و منسوخ شده جای خود را با اصطلاحات تازه ای که متناسب با زمان حاضر است میدهد. بعضی لغات بعثت از بین رفتن موارد استعمال آنها فراموش میشود و یا الفاظ مناسب و کوتاهتری برای بیان معنی پیدا شده و جانشین لغات قدیمی میگردد. کلمات رفته رفته سائیده تر و کوچکتر و وجوه تصریف افعال و ضمائر ساده و مختصرتر میگردد.

تحول زبان و نثر از مجموع این نکات و علل دیگر از قبیل آشنائی با ادبیات مدل بیگانه - روابط تجارتي و علمی و ادبی و انقلابات دینی و نفوذ سیاسی و غیره حاصل میشود. (چنانکه در نتیجه غلبه اعراب عدّه بیشماری از لغات عربی وارد زبان فارسی شد و یا در اثر انقلابات سیاسی و روابط تجارتي و علمی یکدسته لغات رومی - فارسی - هندی و ... وارد زبان عربی و یا در نتیجه جنبش اخیر و آشنائی با اروپا لغات علمی تازه وارد زبان پارسی گردید) تا زبانی ادبیات مکتوب ندارد. برور زمان زبان قدیم فراموش گشته و تحول آن محسوس نمیشود ولی همینکه آثار ملتی پایدار مانند در طی زمان صورت اصلی خود را حفظ میکند و در نتیجه سنجش و مقایسه آثار جدید با آثار قدیم تحول و اختلاف بخوبی آشکار میشود. بدیهی است که هرچند ادبیات ملتی قدیمتر و عالیتر باشد این اختلاف بیشتر خودنمایی میکند. امروز در نتیجه علمی که ذکر شد در ادبیات معاصر مخصوصاً نثر فارسی

تحولی مشاهده میشود که مورد بحث قرار گرفته است.

ساده نویسی:

بعد از استیلای مغول نثر فارسی ممانت خود را از دست داده بود و نویسندگان

محض اظهار فضل برای آوردن سجعی معنی را فدای لفظ میکردند صنایع و تکلفات و تفنن ادبی بر سادگی نثر غلبه یافته و بسرحد کمال رسیده بود که ستاره‌ای در افق ادبیات درخشید و بر علیه پاره‌گوها و عبارت‌بردازها قیام کرد این قائم مقام فراهانی بود که با حسن ذوق شیوه مخصوصی ایجاد نمود و بوسیله پیروانش نثر فارسی را بظرف سادگی و متانت رهپار ساخت.

نویسندگان اوایل دوره مشروطیت شیوه قائم مقام و امیر نظام گروسی را دوباره از زواید و صنایع برطرف ساخته تفنن ادبی و آرایش لفظی را کنار گذاشته و نثر را فقط برای تفهیم و تفهیم که استعداد ذاتی آنست بکار بردند و از آن در پیشرفت مصالح ملی و بیدار کردن اذهان عمومی استفاده کردند. از جمله این گروه میتوان از سید جمال الدین اسدآبادی - ملک المتکلمین - شیخ احمد روحی - ناظم الاسلام کرمانی - میرزا ملکم خان - صالحوف - میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل - مویده الاسلام مدیر روزنامه جبل‌المتین و ... نام برد.

آشنائی نویسندگان با اسلوب نگارش اروپائی را نیز میتوان یکی از عوامل مهم ساده نویسی شمرد چون: «در کلیه ممالک متمدن که رشته ترقی را بدست آورده اند انشای ساده و بی تکلف عوام فهم روی سایر انشاهای گرفته و با اینکه اهالی آن ممالک عموماً مدرسه دیده و با سواد و در فهم انشای مشکل نیز چندان عاجز و درمانده نیستند باز انشای ساده ممدوح است ... علمای بزرگ هم سعی دارند که کتابها و نوشته‌های خود را تا اندازه مقدور بزبان ساده بنویسند»، (۱)

دیگر از عوامل مهم ساده نویسی شیوع روزنامه نگاری میباشد - چون نویسندگان بملاحظه اینکه اغلب خوانندگان عوامند مجبور میشوند که متوسل بزبان ساده و نثری شوند که قابل فهم آنان بوده و از صنایع لفظی و معنوی و حشو و زواید دور و بزبان مکالمه و محاوره نزدیکتر باشد.

ورود لغات بیگانه:

تا دوره مشروطیت نثر در موضوعهای «حکمت»، «تاریخ»، «حکایت»،

(۱) - صفحه ۵ کتاب «یکی بود یکی نبود»، تألیف جمال زاده

« اندرز » « عرفات » و غیره بکار میرفت و برای این مطالب بقدر کافی لغات و اصطلاحاتی موجود بود ولی پس از آنکه در نتیجه روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی نویسندگان با آثار غرب آشنائی یافتند خود را با معانی جدید و علوم و صنایع تازه روبرو دیدند که در زبان پارسی برای تعبیر آنها وسیله لفظی موجود نبود. ورود صنایع و علوم اروپائی احتیاج بلغات خارجی را روز بروز بیشتر میکرد تا نویسندگان مجبور شدند برای بسط معنی دست بسوی الفاظ بیگانه دراز کنند ولی راه مبالغه رفتند و رقابتی در استعمال لغات اجنبی بین آنها بوجود آمد تا جائیکه هر کس در مقاله و نوشته خود بیشتر از دیگران لغات اروپائی بکار میبرد او را عالتر و فاضلتر میشمردند (چنانکه : در وقت خود استعمال لغات عربی این حالت را داشت) عامل مهم این عمل نیز روزنامه‌ها بوده چون اکثر روزنامه نگاران ما از اخبار و جراید خارجی کسب اطلاع کرده و با عجله هر چه تمامتر میخواستند ترجمه آنرا منتشر سازند و چون غالب آنان فاقد اطلاعات و تصرفات کافی بودند یا عین الفاظ اروپائی : (فرانسه ، روسی ، انگلیسی و غیره) را وارد نشر کردند یا با استفاده از ترجمه‌های غلط و تعبیرات ناقص اسباب ورود لغات عربی و ترکی و غیره را فراهم آورده و باعث فساد نشر گشتند بطوریکه خواننده برای مطالعه مقالات و اخبار جراید میبایست تا اندازه‌ای بلغات خارجی نیز آشنا باشد تا بتواند مطالب آنها را خوب درک کند.

مثلا روزنامه ادب در شماره (۱۴۵) سال ۱۳۲۳ ق مینویسد : « ۰۰۰ ولی

بواسطه تصویبات رؤسای دولت و بزرگان ملت و ساختن **کاریکاتور** (۱) که ۰۰۰ »

روزنامه **آثار** (۱۳۲۶) ق در مقاله افتتاحی خود مینویسد : « ۰۰۰ تبدیل اوضاع بربریت

و تکمیل لوزم تمدن و تربیت در هیچ مملکتی ممکن نخواهد شد مگر با ایجاد سه چیز

که اصول « **سیویلیزاسیون** » (۲) و ترقی و تمدن میباشد و ۰۰۰ »

روزنامه پرورش در شماره ۱۸ دوره سوم راجع به شیخ محمد خیابانی چنین مینگارد :

« فقید شهید امتیاز جریده تجدد را که « **ارگان** » (۳) فرقه بود ۰۰۰ داشت »

روزنامه تجدد در شماره اول سال ۱۳۴۲ : « ۰۰۰ امید مانند یث قوه « **الکتریسیته** » (۴)

..... و رویه و خط مشی « پارلمانی » (۱) « ما چون »

بعضی لغات خارجی در روزنامه تریبا سال اول :

(اطلاع بر مسائل « پولوتیک » (۲) و سیاسی دول باین امر خیر مبادرت نماید)

ص ۳ شماره ۱

(بهمین نوع دسائس و شعوزات برتبه « کماندانی » (۳) رسیده) ص ۱۱ شماره ۲

(آخرین امتحان درجه نهم را یافته و شهادتنامه « تره بین » (۴) را گرفته) ص ۱۱ شماره ۲

یعنی شهادتنامه خیلی خوب را گرفته

(بعبارت فرنگان و مصطلح ما « سیویلیزه » (۵) شده اند) ص ۱۱ شماره ۲۸

(در انگلستان هم چنانست که پادشاه یکی از اعضای محترم مجلس خصوصی « پارلمنت »

را بریاست انتخاب کند تا در تحت ریاست وی « کابینه » (۶) تشکیل گردد)

ص ۱۱ شماره ۲۳ و غیره

خلاصه اگر هر يك از كتب و جراید و مجلاتی را که در ایندوره بطبع

رسیده است مورد دقت قرار دهیم کم و بیش از لغات بیگانه یا بیسابقه را که همه

موالود انقلاب ادبی بعد از مشروطه میباشد در آنها خواهیم یافت . منجمله :

سوسیالیزم - دموکرات - بلشویک - کمونیزم - پارلمان - کابینه - کمیسیون - پلیس

آژان - ژاندارم - رفورم - کمیساریا - بلتیک - کلاس - سان - دیپلم - دیپلمات - آرتیکل

رومان - مانسور - ترور - کمیته - بارتی - کنفرانس - تریبون - و غیره

و یا لغات بیسابقه :

انقلاب - اکثریت - حزب - مسلک - مرام - استبداد - مشروطه - آزادی - توده - نماینده

بودجه - تجدد - تمدن - فرقه - و هزاران لغات و تعبیرات دیگر که جمع آوری آنها

خود موضوع جداگانه ای میباشد .

روزنامه‌های معروف (از جمله کاوه و غیره) رفته رفته از این عیوب باخبر

شده و با گشودن باب (انتقاد ادبی) در پی رفع این نقص برآمده‌اند و انتقادات

(۱) - Parlement (۲) - Politique (۳) - Commandant

(۴) Très bien (۵) - Civilisé (۶) - Cabinet

شدیداللعن و گاهی نوهین آمیز از نویسندگان جدید کرده‌اند حتی گاهی نیز با هواداران شیوه قدیم هم آواز شده بر متجددین ساخته‌اند.

ولی این سد و حدها هرگز ناموس تصور را از حرکت باز نماند و هنوز بسیاری از غلط‌صرفی و نحوی در مقالات و نوشته‌های نویسندگان امروز باقی است و اگر از چند تن محدود بگذریم حالت آنها به مراعات اصول اعتدالی درستی ندارند.

تعمدات وصفی که در آثار قدما گاه بگاه در محل معین و پرتابین و ضابطه خاصی بکار میرفت در ایندوره بتکرار و بی‌دری چه بحال وصفی و چه بحال خبری (یعنی بقیغه مدعی تقبی یا بعید) با حذف افعال معین بقرینه یا بدون قرینه استعمال میشود. حذف افعال بدون قرینه نیز که در آثار قدما (در مواقعی خاص و با قرائن معنوی) معمول بود در این دوره شدت یافته است.

در این عصر نویسندگان شیوه‌های مختلفی ایجاد کرده‌اند که هر یک در تحول نشر کتونی بی تأثیر نبوده است. از جمله این اسالیب میتوان از «سبک محاوره» - سره نویسی و غیره نام برد.

اسلوب محاوره :

نویسندگان اخیر را بطور کلی میتوان بدو گروه تقسیم بندی نمود. ۱ - ادب

- نویسندگان جدید :

دسته اول کلمه و تعبیر را که قدما در آثار خود بکار نبرده یا فرهنگپسندان ضبط نکرده‌اند، عامیانه شمرده و معقدند که نباید آنها را مورد استفاده برای تهیه و تفهیم قرار داد، مؤلفین کتب ادبی ایندوره (در درجه اول) و نویسندگان مجرات ادبی (در درجه دوم) از این جمله میباشند.

ولی گروه دوم هر لفظ و تعبیری را که در محاوره روزانه بین طبقات مختلف بکار میرود و دارای مفهومی است در نوشته‌های خود استعمال میکنند. بندهسته علمدار تحول نشر فارسی بعد از مشروطیت میباشند و سعی میکنند که اسلوب محاوره را بجای سبک ادبی قدیم نشانند و زبان فارسی را از فقر و احتیاج بلغات بیگانه بی نیاز سازند (۱)

(۱) - رک : مجله سخن (سال ۲) : « لفظ عام و لفظ قلم » بقلم دکتر پرویز خانلری

دهخدا مبتکر این سبک است که در روزنامه صور اسرافیل (۱۳۲۵ ق) با مضای (دخو) تحت عنوان (چرند و پرند) مقالات فکاهی و انتقادی که بر از کتابه و طعنه‌های لطیف میباشد نوشته و برای اولین بار عبارات ساده و الفاظ و تعبیّرات عامیانه را در مقالات ادبی خود بکار برده است. این مقالات تجدیدی در هجو و انتقاد نیز ایجاد کرد.

پس از صور اسرافیل روزنامه‌های فکاهی و انتقادی فراوان شد اکنون نیز بعضی از قبیل: (توفیق، بدبشمل، حاجی بابا و غیره) هم از سبک (دخو) پیروی میکنند و هم غالب مقالات را بلهجه عامیانه و محلی مینویسند. نمونه: «از ما میپرسند»
از باباجون پنجشنبه گذشته که بامونو از در پا صوقت بیرون گذاشتیم دیدیم حیدر مزقون کش دازه میاد و منم که اگر پیدامون کنه دیگه تا شب ما را پرسه زدنت تو خیابان و امیداره به بچپ چپ قدم رو کردیم و گفتیم حیدرو دیدی ندیدی. از ترس یارو مثل معلمای ریاضی کلمونو صاف گرفتیم و ده پرو که رفتی...» نقل از باباشمل شماره ۶۳ سال ۱۳۲۳ شمسی

محمدعلی جمالزاده اولین نوین نویس فارسی است که در (۱۳۳۹ ق) کتاب «یکی بود یکی نبود» را در بران منتشر کرده است این کتاب شامل شش داستان کوتاه میباشد و در دیباچه مفصل آن اهمیت و فایده قصه و رومانرا شرح داده است. مخصوصاً فایده مهم اینگونه آثار را که وصف زندگانی و حالات طبقات مختلف است در توسعه و تکمیل زبان و آبت الفاظ و اصطلاحات عامیانه که موجب تکثیر لغات و تعبیّرات زبان میباشد دانسته و هم اندای ساده و بی تکلف و عوام فهم را بر شاهای مشکل ادبی ترجیح داده است.

در آخر کتاب مجموعه‌ای از کلمات عوامانه فارسی که هیچیت در کتب لغت ضبط نشده ترتیب داده است. اگرچه لغات کامل نیست ولی چون برای اولین بار بتدوین و جمع آوری این الفاظ اقدام کرده دارای اهمیت میباشد.

مختصات سبک جمالزاده:

۱- در بیان عقاید و افکار داستانی مثل دهخدا و برخلاف قدما سعی میکند

که عین الفاظ و تعبيرات ایشانرا ثبت کند. مثال :

الف : جناب موسیومیگفت: «رولوسیون(۱) بدون اولوسیون(۲) يك چیزی است

که خیال آنهم نمیتواند در کله داخل شود» ص ۲۷

مثال دیگر : ۰۰۰ شیخ گفت « مومن عنان نفس عاصی قاصر را بدست قهر و

غضب مده که الکاظمین الغیظ و العافین عن الناس »

ب - در همین موارد گاهی عبارات مسجع بکار میبرد، یا افعال را بطریق قدما حذف میکنند.

مثال : « يك روضه عروس قاسم خوبی تازگی یاد گرفته بودم چرب و نرم خواندم و برای

آمزش اموات و بر آورده شدن حاجات و آستان بوسی عتبات عالیات دعائی خواندم» ص ۷۲

مثال دیگر : : خلاصه دنیا روحی داشت و ما هم حالتی و کیفی « ص ۷۵ - که «داشتیم»

از آخر جمله بقرینه « داشت » حذف شده است .

۲ - استعمال کلمات عامیانه بعد و فور .

مثال : « قشتره ای برپا گردید که آن سرش پیدا نبود . امامات و دستچیرانگشت بدمن

سرگردان مانده بودیم که بچه بامبولی یخه ما نرا از چنگ این ایلغازیان خلاص کنیم

و بچه حقه و لمی از گیرشان بجهیم » ص ۱۸

مثال دیگر : « سورچیمان » حمزه نامی بود عرب که از دوستاق بغداد گریخته و

بایران آمده « ص ۵۸

اینک بعضی از اصطلاحات و کلمات عامیانه که در غالب صفحات « یکی بود

یکی نبود » دیده میشود برای نمونه نقل میگردد :

لوچه = لبان و پوز را گویند

سولدونی = هولدونی = جای کتیف و تارک

قلچماق = پهلوان (لفظ ترکی است)

مفتگی = آدم مدمغ و بیقوت

لغ = لغزان ، بی پایه ، سست

چار و اداز = چهارپاداز

فیس = افاده

مشتی = مشهدی

دوستاق = زندان

ماچ = بوسه

بامبول = حقه

علم شنگه = شلوغی و همهمه و داد و بیداد

کولای گری = بر کول و پشت آدم سرار شدن

ام دادن = درجائی بر احتی تکیه دادن و افتادن

قشقره = هیاهو

یکه خوردن = از تعجب جنبیدن

هاج و واج = حیران و متعجب

وانگر = مزخرف گو

سوت کردن = چیز را از زمین روی بام انداختن

۳ - استعمال ماضی نقلی و بعید بصیغه وصفی .

مثال : «رمضان طفنك يكباره داش را باخته و از آنسر محبس خود را پس پس باین سرکشانده و و مثل غشیا نگاههای ترسناکی باقا شیخ انداخته و زیر ایگی هی لعنت بر شیضان میگرد» ص ۲۳

۴ - عدم مطابقت صفت و موصوف .

در آثار جمالزاده مطابقت صفت و موصوف که از شیوه‌های عرب بوده و از

قرن ۶ وارد اثر فارسی شده است دیده نمیشود .

صادق هدایت - بزرگ علوی - صادق چوبک - جلال آل احمد و ۰۰۰ از پیروان مکتب جمالزاده میباشند و هر يك بترتیب در آثار وسیع خود همان شیوه را پیش گرفته و چنانکه جمالزاده پیش بینی میکرد بزبان فارسی وسعت نسبی و غنا و تنوعی بخشیده اند .
بقیه در شماره بعد